



فصلنامه مددکاری اجتماعی

سال چهارم ■ شماره ۹ ■ پاییز ۱۴۰۰

مددکاری اجتماعی در نظام کیفری



آنچه در این شماره می‌خوانیم:

مهارت‌های کاربردی مددکار اجتماعی در سیستم قضایی

آشنایی با مفاهیم مربوط به جرم و جنایت

مداخله مددکاری اجتماعی در عدالت کیفری

بررسی پیامدهای زندانی شدن با تاکید بر خانواده‌های زندانیان

درس آموخته و معرفی مقاله و فیلم

مددکاری اجتماعی و حمایت از کودکان و نوجوانان در فرایند دادرسی

به نام خدا

فصلنامه علمی-دانشجویی مددکاری اجتماعی دانشگاه خوارزمی

شماره نهم پائیز ۱۴۰۰
کد مجوز نشریه: ۵/۴۶۸۵۲

صاحب امتیاز:

انجمن علمی-دانشجویی مددکاری اجتماعی دانشگاه خوارزمی

مدیر مسئول:

سیده کیمیا سید

سر دبیر:

سمانه حاصلی

مدیر اجرایی:

فاطمه نعمت الهی

هیئت تحریریه:

زهرا بهرام نژاد

مطهره السادات دشتی

فرنوش فقیهی

آناهیتا کهن

دیگر نویسندگان:

ارشاد بیرانوند

فاطمه نعمت الهی

معین نیری

سپیده وکیلی پور

ویراستار:

آناهیتا کهن

گرافیکست و صفحه آرا:

مهدی اسماعیلی خانسری

 @kh_socialwork
 @Khu_socialworking
 Khu_socialwork@gmail.com



فصلنامه مددکاری اجتماعی



دانشگاه خوارزمی
معاونت فرهنگی اجتماعی

فهرست مطالب

۴

سخن سردبیر

بخش اول: مبانی جرم‌شناسی

۶

آشنایی با مفاهیم مربوط به جرم و جنایت

بخش دوم: مددکاری اجتماعی و نظام کیفری

۱۰

مهارت‌های کاربردی مددکار اجتماعی در سیستم قضایی

۱۴

مداخله مددکاری اجتماعی در عدالت کیفری

۱۸

بررسی پیامدهای زندانی شدن با تاکید بر خانواده‌های زندانیان

۲۱

مددکاری اجتماعی و حمایت از کودکان و نوجوانان در فرایند دادرسی

بخش سوم: معرفی و تحلیل

۲۵

معرفی مقاله: زندگی پس از زندان، چالش‌های بازسازی برای زنان

۲۷

معرفی فیلم: تراژدی جوخه اعدام

۳۰

درس آموخته

سخن سردبیر

به نام صورتگر آفرینش

با عرض سلام و احترام خدمت مخاطبان و همراهان همیشگی نشریه علمی تخصصی مددکاری اجتماعی دانشگاه خوارزمی و تبریک سال جدید تحصیلی و آرزوی موفقیت و بهروزی در عرصه تحصیل و علم‌آموزی دانشجویان نهمین شماره نشریه را ورق می‌گشاییم. امید است که مطالب این نشریه مطلوب خاطر مخاطبان بوده و بر بار علمی ایشان بیفزاید.

در شماره پاییزه عوامل این نشریه با اتکا بر تجربیات گذشته تصمیم در انسجام و ارتقای هرچه بیشتر نشریه داشته و به همین منظور به آن محوریت داده و موضوعی واحد را در ابعاد متفاوت مورد بررسی قرار داده‌اند.

موضوع نشریه پاییزه مددکاری اجتماعی، جرائم، مجرمین و زوایای قابل کند و کاو مددکار اجتماعی در این وادی است.

با توجه به محدودیت‌هایی که در حال حاضر در مداخلات حرفه‌ای مددکاری اجتماعی برای جرم‌زدایی و مقابله با جرائم و کمک به کاهش جرم از سوی مجرمین وجود دارد، با معرفی جرم، مصاحبه با مددکار اجتماعی شاغل در این حوزه، بررسی پیامدهای مربوط به مجازات‌های جرائم و معرفی مقاله و فیلم به صورت مطالب مجزا، تمرکز نشریه بر بالابردن آگاهی دانشجویان مددکاری اجتماعی برای بهبود عملکرد و ایجاد تحول در این عرصه در آینده‌ای نزدیک می‌باشد.

به امید ارتقای روح انسانیت و از بین رفتن عوامل جرم‌زا برای داشتن جامعه و جهانی سالم.

سمانه حاصلی



بخش اول: مبانی جرم‌شناسی



آشنایی با مفاهیم مربوط به جرم و جنایت

زهرا بهرام‌نژاد، دانشجوی کارشناسی مددکاری اجتماعی دانشگاه خوارزمی

مقدمه:

جرم به عنوان پدیده‌ای اجتماعی، امری بهنجار و اجتناب ناپذیر می‌باشد و تا زمانی که جامعه وجود داشته باشد، جرم هم وجود خواهد داشت. با توجه به ماهیت فرابخشی آسیب‌های اجتماعی، جرایم، کجروی‌ها و ... هیچ سازمانی نمی‌تواند ادعا کند که به تنهایی می‌تواند همه امور مربوط به پیشگیری از وقوع جرم و کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی را انجام دهد. بنابراین از تخصص‌های مختلف به منظور کاهش آسیب کمک گرفته می‌شود.

مشاوره و مددکاری اجتماعی یکی از تخصص‌هایی است که در سیستم قضایی به ویژه کار در زندان‌ها و کانون‌های اصلاح و تربیت مستلزم کسب مهارت‌های حرفه‌ای خاص و تجربه و دانش مبتنی بر رویکردهای نوین مددکاری اجتماعی است. بنابراین در این مطلب به تعریف مختصری از برخی اصطلاحات در این زمینه می‌پردازیم.

جرم چیست؟

هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است، جرم محسوب می‌شود. (ماده ۲ قانون مجازات اسلامی)

عوامل ارتکاب جرم چیست؟

۱. نابرابری در آمد:

از جمله عوامل اثرگذار برای ایجاد پدیده جرم می‌توان نابرابری درآمدی را متذکر شد؛ چرا که نابرابری درآمدی میان دهک‌های جامعه منجر به ایجاد فاصله طبقاتی گشته و افراد دهک‌های پایین برای پر کردن شکاف طبقاتی از طریق عامل روانی به نام حسادت، دست به جرم می‌زنند.

۲. نرخ بیکاری:

یکی از مهم‌ترین و اثرگذارترین عوامل مؤثر بر ایجاد جرم پدیده «بیکاری» است؛ چرا که بیکاری موجبات ایجاد فقر، نابرابری درآمد، مهاجرت، اختلاف خانوادگی و ... را فراهم می‌کند؛ البته برخی از مطالعات وجود دارد که حاکی از عدم ارتباط یا ارتباط منفی بین بیکاری و جرم می‌باشد؛ اما بدیهی است که افراد هویت خود را در موقعیت کاری که دارند، جستجو می‌کنند و هر گاه برای تمام افراد جویای کار شغلی یافت شود، آنگاه انگیزه آنها برای ارتکاب جرم کاهش می‌یابد.

۳. فقر مطلق:

فقر یکی از موثرترین عوامل در ارتکاب جرم است؛ بدین صورت که هنگامی که فرد در شرایط سوء تغذیه، عدم دسترسی به امکانات بهداشتی و آموزشی، عدم وجود سرپناه مناسب برای زندگی و شرایط مشابه قرار گیرد، به ناچار گزینه فعالیت‌های غیرقانونی (ارتکاب جرم) را انتخاب می‌کند.

۴. صنعتی شدن و مهاجرت:

افراد به واسطه عواملی مانند بیکاری، فقر مالی، آموزشی و ... اقدام به مهاجرت می‌کنند. زمانی که وارد کلان‌شهرها می‌شوند، به واسطه گسترده بودن محیط، احساس آزادی عمل و خودمختاری نموده و اقدام به اعمال ناهنجاری‌های اخلاقی و جرم می‌کنند.

۵. سطح آموزش:

همانطور که می‌دانیم فقر علمی و آموزشی موجب ایجاد انحراف می‌باشند به گونه ای که هر چه سطح آموزش افراد در جامعه بالا رود، از میزان ارتکاب به جرم کاسته می‌شود.



اجتماعی و آموزش و پرورش رایگان و داشتن مسکن مناسب با نیاز حق هر فرد و خانواده ایرانی است. شاید بتوان گفت برخورداری همه افراد جامعه از این حقوق به نوعی پیشگیری اولیه محسوب می‌شود و از ارتکاب جرم و بزه برخی افراد جهت رسیدن به این نیاز به صورت غیر قانونی جلوگیری می‌کند؛ از این رو، وظایف اجرایی نهادها و مؤسسات دولتی به طور اعم از اهمیت خاصی برخوردار است و به طور اخص نهادها و موسساتی که با افراد مجرم و بزهکار روبرو هستند از جمله کانون اصلاح و تربیت و زندان. بدون تردید قوانین موجود در محکومیت یا تبرئه افراد سرنوشت‌ساز است. (الهیاری، ۱۳۸۸: ۷)

جرم‌زدایی:

پویایی، تحول و مطابقت با زمان و مکان برآورنده یک سیاست جنایی کارآمد و موثر است. چه بسا اعمالی که زمانی جرم محسوب می‌شوند، اما دیگر ضرورتی برای ممنوعیت و مجازات مرتکبان آنها وجود نداشته است. برای مثال، اعتیاد در بسیاری از کشورها جرم تلقی می‌شد؛ اکنون در برخی از کشورها از جمله ایران در مواردی از آن جرم‌زدایی شده تا افراد دارای اعتیاد بتوانند آزادانه و بدون ترس از مجازات، خود را به مراکز درمانی معرفی کرده و معالجه کنند؛ در حالی که جرم بودن آن مانع از درمان و در نتیجه منتهی به جرایم بسیاری می‌شود که البته به معنای مجاز بودن چنین اعمالی نیست، بلکه به این معناست که ضمانت اجرایی کیفری برای آن ضرورتی ندارد و باید ضمانت اجرای مناسب‌تری را در نظر گرفت. با توجه به این که هدف اصلی حقوق جزا جلوگیری از جرم

از بعد دیگر هرچه سطح آموزش فردی که مستعد ارتکاب جرم است بالاتر رود، میزان ارتکاب به جرم بیشتر می‌شود. به طور مثال، در دنیای کنونی هکرها از جمله افرادی هستند که با داشتن هوش و سطح آموزشی بالا مرتکب به جرایم اینترنتی می‌شوند. (دقیقی اصلی و همکاران، ۱۳۸۸)

مجازات‌های اصلی کدامند؟

حد: مجازاتی است که موجب، نوع، میزان و کیفیت اجرای آن در شرع مقدس تعیین شده است. قصاص: مجازات اصلی جنایات عمدی بر نفس، اعضاء و منافع است.

دیه: اعم از مقدر و غیرمقدر، مالی است که در شرع مقدس برای ایراد جنایت غیر عمدی بر نفس، اعضاء و منافع و یا جنایت عمدی در مواردی که به هر جهتی قصاص ندارد به موجب قانون مقرر می‌شود.

تعزیر: مجازاتی است که مشمول عنوان حد، قصاص یا دیه نیست و به موجب قانون در موارد ارتکاب محرمات شرعی یا نقض مقررات حکومتی تعیین و اعمال می‌گردد. نوع، مقدار، کیفیت اجرا و مقررات مربوط به تخفیف، تعلیق، سقوط و سایر احکام تعزیر به موجب قانون تعیین می‌شود. دادگاه در صدور حکم تعزیری، با رعایت مقررات قانونی، موارد زیر را مورد توجه قرار می‌دهد:

(الف) انگیزه مرتکب و وضعیت ذهنی و روانی وی
حین ارتکاب جرم

(ب) شیوه ارتکاب جرم، گستره نقض وظیفه و نتایج زیانبار آن

(پ) اقدامات مرتکب پس از ارتکاب جرم

(ت) سوابق و وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی مرتکب و تأثیر تعزیر بر وی.
(ماده ۱۴ تا ۱۸ قانون مجازات اسلامی)

پیشگیری اجتماعی:

پیشگیری به معنی برنامه‌ریزی و انجام اقدامات لازم برای کاهش جرم و بزه است.

برای مثال، مطابق اصول ۲۹، ۳۰ و ۳۱ قانون اساسی برخورداری از تامین



منظور، مددکاران اجتماعی باید در مورد عوامل روانی و اجتماعی جرم مانند: نابرابری درآمد، نرخ بیکاری، فقر مطلق، صنعتی شدن و مهاجرت و... و همچنین دیگر موارد مرتبط مانند چگونگی جرم‌زدایی، پیشگیری اجتماعی و... اطلاعات کافی و مناسبی داشته باشند تا بتوانند به گونه‌ای موثر برای کاهش آسیب و جرایم در جامعه و همچنین کمک به افراد مجرم فعالیت کنند.

منابع:

- الهیاری، طلعت، (۱۳۸۸). پیشگیری از وقوع جرم با رویکرد مددکاری اجتماعی، فصلنامه علمی پژوهشی انتظام اجتماعی، شماره چهارم، سال اول
- دقیقی اصلی، علیرضا؛ سریرافراز، محمد؛ مکیان، سمیه سادات؛ فهیمی فر، فاطمه، (۱۳۸۸). رویکرد میان رشته‌ای به پیشگیری از وقوع جرم، فصلنامه امنیت و نظم، شماره اول، سال دوم
- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱/۲/۱۳۹۲

یا کاهش آن است لازم است استفاده از حقوق جزا نافع باشد به این معنا که فایده حاصل از آن از هرگونه زیان مربوطه بیشتر باشد. به عبارت دیگر، منافع جرم شناختن عمل باید بر هزینه‌های آن غلبه داشته باشد. (الهیاری، ۱۳۸۸: ۱۰)

اجرای صحیح و عادلانه مقررات جزایی:

فردی که به دلیل موانع و محدودیت‌های ایجاد شده در جامعه مجبور به ارتکاب جرم شده و اکنون جامعه او را مجازات می‌کند، در صورتی که شاهد آن باشد که افرادی مرتکب همان جرم می‌شوند اما به خاطر موقعیت اجتماعی، نفوذ، ثروت یا هر دلیل دیگری مجازات نمی‌شوند، به دلیل این عدم تساوی در مقابل قانون و بی‌عدالتی، دشمنی و کینه مضاعفی نسبت به جامعه در او ایجاد می‌گردد. در صورتی که برخورد مراجع قضایی با همه یکسان نباشد و تخلفات قضایی، فساد، رشوه و نفوذ بر آراء دادگاه‌ها تاثیرگذار باشند، افراد مجرم قبحی برای عمل خویش احساس نمی‌کنند و ارتکاب جرم را در راستای احقاق حقوق خویش از جامعه می‌دانند و دست به جرایم مکرر می‌زنند. از این رو، شایسته است مقررات جزایی و قوانین شکلی به گونه‌ای باشد که از چنین وضعیتی جلوگیری کنند. (الهیاری، ۱۳۸۸: ۱۴)

نتیجه‌گیری:

از آنجایی که ارتکاب به جرم و بزهکاری امری اجتناب‌ناپذیر در یک جامعه است، باید برای کاهش آسیب در این زمینه سازمان‌ها و افراد در تخصص‌های مختلف با یکدیگر همکاری کنند. در مددکاری اجتماعی به این



بخش دوم: مددکاری اجتماعی و نظام کیفری



مهارت‌های کاربردی مددکاری اجتماعی در سیستم قضایی

معین نیری فلاح، دانشجوی کارشناسی مددکاری اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی

میانجی‌گری روابط افراد با محیط به جای رقابت، به صورت همکاری است. مددکار اجتماعی در این نقش به طرفین کمک می‌کند که موضوع مورد اختلاف را بازبینی کنند، خواسته‌های خود و طرف مقابل را در نظر بگیرند، سهم هر یک را مشخص کنند و بر اساس اصول مذاکره با همدیگر توافق کنند. مددکار اجتماعی همچنین تلاش می‌کند تا با ساده‌سازی مسئله و تعریف دوباره آن، طرفین درگیر را قادر کند که با نگاه ساده‌تری به مسئله نگاه کنند. راه حل در این رویکرد به این صورت است که طرفین خود را از مشکل جدا کنند و به جای تغییر یکدیگر بر تغییر رفتار تمرکز کنند. میانجی‌گری می‌تواند به دو صورت مستقیم و غیر مستقیم باشد. در میانجی‌گری مستقیم قربانی و مجرم به صورت مستقیم با یکدیگر روبرو می‌شوند و در شکل غیر مستقیم اطلاعات بین قربانی و مجرم توسط میانجی‌گر رد و بدل می‌شود. میانجی‌گر باید بی‌طرف، آگاه و بامهارت باشد و بتواند اعتماد دو طرف را جلب کند.

مراحل میانجی‌گری:

۱- پذیرش اولیه: بعد از ارجاع پرونده به مددکار اجتماعی، او با مجرم مصاحبه می‌کند تا مشخص شود که آیا او مسئولیت اعمال خود را می‌پذیرد؟ سپس با توجه به وضعیت خانوادگی، فرهنگی و اجتماعی، گزارش لازم را می‌نویسد.

۲- ملاقات مجرم و بزه‌دیده: زمانی که مجرم مسئولیت اعمال خود را بر

عهده بگیرد، تماس یا

ملاقات او با قربانی

تدارک دیده

می‌شود.

در این

مرحله

دوباره

مقدمه: امروزه با توجه به شرایط حال حاضر جامعه، توجه به مددکاری اجتماعی در حوزه‌های مختلف افزایش یافته است. یکی از حوزه‌های مفید برای مداخلات مددکاری اجتماعی، حوزه قضایی است. مددکاری اجتماعی قضایی، حوزه وسیع و متنوعی از فعالیت‌هایی است که شامل هر گونه مددکاری اجتماعی سطح خرد و میانی و یا کلان است که به افرادی که در عدالت کیفری یا سیستم‌های حقوقی درگیر هستند، کمک می‌کند. جمعیت آسیب‌پذیری که مددکاران اجتماعی قضایی به آن‌ها خدمت‌رسانی می‌کنند شامل، اما نه محدود، به جوانان و بزرگسالان زندانی، زندانی‌های به تازگی آزاد شده، کودکان قربانی بی‌توجهی و قربانیان سوءاستفاده خانگی یا جنسی هستند. مددکاران اجتماعی قضایی اغلب به مددجویان خود پشتیبانی عاطفی، راهنمایی در مسیر سیستم‌های دادگستری / حقوقی، ارتباط با منابع مربوطه، کمک در برنامه‌های مسکن و حمایت از افراد و سیاست‌ها را ارائه می‌دهند.

میانجی‌گری: میانجی‌گری یکی از نقش‌ها و مهارت‌های مددکاران اجتماعی است که استفاده از آن در کشورهای توسعه‌یافته در راستای قضاودایی موثر اعلام شده است. میانجی‌گری در رسیدگی به جرایم خرد مانند بزهکاری نوجوانان، از دو جهت حائز اهمیت است: ۱- از حجم پرونده‌های مراجع قضایی می‌کاهد، ۲- از تبدیل شدن انحرافات خرد به جرائم سنگین جلوگیری می‌کند.

یکی از حوزه‌های موثر در خصوص میانجی‌گری، اختلافات خانوادگی است.

میانجی‌گری بر پایه شناخت

متقابل شکل می‌گیرد و هدف

را بر تمرکز روی وظایف و

تلاش برای اثرگذاری

روی محیط قرار

می‌دهد. در



تفاوت میانجی‌گری و مشاوره:

مشاور معمولاً فنون درمانی را به کار می‌گیرد. برخی از این فنون مثل خط مشخصی از سوالات ممکن است در میانجی‌گری مفید باشند؛ اما نقش مشاور متفاوت از نقش میانجی است. هدف میانجی توافق واضح بین مشارکت‌کنندگان است. تمایزات مهم میانجی‌گری و مشاوره عبارتند از:

۱. در میانجی‌گری باید طرفین از حقوق‌ها و نیازهای یکدیگر آگاهی داشته باشند و آن را بپذیرند اما در مشاوره بیشتر بر شناخت احساسات و فکر طرفین تاکید می‌شود.

۲. زمان صرف‌شده برای میانجی‌گری کوتاه‌مدت‌تر از مشاوره است.

۳. میانجی همچنان که به احساسات فرد احترام می‌گذارد، به عمق آنها دست پیدا نمی‌کند اما مشاور اساساً به این که افراد چگونه تجربه مربوطه را حس می‌کنند توجه دارد.

۴. میانجی روی اهداف آینده مشارکت‌کنندگان تمرکز دارد، به جای اینکه به تحلیل جزئیات اتفاقات گذشته بپردازد. مشاور ممکن است کشف جزئیات گذشته را برای پیدا کردن ریشه‌ها، الگوهای رفتار و باورها ضروری بداند.

۵. میانجی فرایندها را کنترل می‌کند اما سعی زیادی برای تأثیر بر مشارکت‌کنندگان یا نتایج واقعی به خرج نمی‌دهد. مشاور اغلب نقش تعمدانه در فرآیند را به عهده می‌گیرد و در جهت جستجوی تأثیر بر طرفین به منظور جهت‌دهی است.

۶. میانجی همه طرفین را برای مذاکره به صورت چهره به چهره دور هم جمع می‌کند اما مشاور لزوماً همه طرفین را در همان زمان در نظر نمی‌گیرد.

۷. میانجی بی‌طرف است اما مشاور ممکن است نقش حمایت‌گر بیشتری را برای یکی از طرفین در مواقع مقتضی ایفا کند.

احساسات و تمایل قربانی به سازش و میانجی‌گری پرسش می‌شود و نظر او درباره مصالحه و سازش مطلوب پرسیده می‌شود. در واقع هدف اصلی این فرآیند ایجاد احساس مسئولیت و مشارکت در مجرم است که با اصل مشارکت در مددکاری اجتماعی مطابقت دارد.

۳- مرحله شروع میانجی‌گری: مددکار اجتماعی با همه طرف‌های درگیر، تماس دارد و تلاش می‌کند اطلاعات لازم درباره پرونده، روند دادرسی و آنچه برای حل اختلاف لازم است را از همان ابتدا به دست آورد. در این مرحله بررسی می‌کند که طرفین توانایی فهم گفته‌ها و احساسات یکدیگر را دارند؟ مددکار اجتماعی تفاوت‌های موجود در قدرت بیان طرف‌های درگیر را مورد توجه قرار می‌دهد و افزون بر تعدیل فضای ترس و عدم اعتماد، به تسهیل خواسته‌ها و توقعات طرفین کمک می‌کند.

۴- تعریف مسئله: برای رسیدن به راه حل اختلاف، تعریف درست مسئله ضروری است. گاهی مددکار اجتماعی، به عنوان میانجی‌گر، درباره اختلاف به انجام تحقیقات در محیط شخص می‌پردازد. او به دقت به گفتگوهای طرفین گوش می‌کند، آنها را اداره و تسهیل می‌کند و می‌کوشد تا آنان به تعریف مشترکی از اختلاف دست یابند.

۵- ارائه راه حل‌ها: بعد از دستیابی به تعریف مشترک از اختلاف، مددکار اجتماعی میانجی باید در این مرحله به طرفین کمک کند، راهکارهای مورد نظر خود را پیشنهاد دهند و درباره آن بحث کنند تا به نتیجه مشترک برسند.

مددکار اجتماعی باید فضایی را ایجاد کند که بزه‌دیده احساسات خود را کنترل کند. این موضوع می‌تواند نقش مهمی در تخلیه خشم داشته و بزه‌دیده را برای فرآیند مذاکره با ذهنی آرام، ترغیب سازد.



۸. مشاور بیشتر روی رفتار تمرکز دارد و میانجی‌گر بر مشکلات و ابعاد آن‌ها تمرکز می‌کند.
۹. تلاش مشاور بر شناخت فرد است ولی میانجی‌گر به شناخت طرفین درگیر از همدیگر و منافع و نیازهای همدیگر توجه دارد.
۱۰. نتیجه مشاوره حل مشکل و سازگاری با شرایط موجود است اما در میانجی‌گری دستیابی دو طرف به امتیازاتی مدنظر است.
۱۱. در میانجی‌گری لازم است هر دو طرف علاقه‌مند به مذاکره باشند. در مشاوره حتی اگر یکی از طرفین علاقه‌مند به مذاکره نباشند، مشکلی پیش نمی‌آید.
۱۲. میانجی‌گری فرایندی ساختاریافته است که در یک یا چند جلسه محدود کامل می‌شود. مشاوره معمولاً بسته به نیازهای مشارکت‌کنندگان و پیشرفت کار ادامه می‌یابد.
۱۳. مهارت میانجی‌گری در اختلافات و به ویژه دادگاه‌ها کاربرد بیشتری دارد.

مدافعه:

مددکاری اجتماعی، مفهوم مدافعه را از مشاغل حقوقی وام گرفته است. مفهوم مدافعه به معنای ترغیب و تشویق مردم از طریق افزایش آگاهی و حمایت برای بیان حقوق خود است تا از این طریق بتوانند حقوق خود را مطرح کنند. در اینجا باور بر این است که افراد و گروه‌ها دارای قابلیت، پتانسیل و منابع لازم هستند اما باید نسبت به آن‌ها آگاهی لازم صورت گیرد.

در مددکاری اجتماعی دو نوع مدافعه به صورت سنتی وجود دارد: اولین نوع آن مدافعه مورد (case) است که فرایند کار با یک فرد و گروه کوچک یا انجام کاری برای آن‌ها صورت می‌گیرد و نوع دیگر آن، مدافعه از طبقه است؛ که فعالیتی معطوف به تغییر خط‌مشی، رویه‌ها و قوانین است که نتایج و پیامدهای این فعالیت‌ها بر طبقه‌ای از افراد تأثیر دارد. (گلیکن، ۱۳۹۰: ۳۸۵-۳۸۴).

هنگامی که مددکار اجتماعی برای تحقق بخشیدن به اهداف مراجع و دفاع از او سخنگوی وی می‌شود، در واقع نقش مدافع را بر عهده گرفته است. در بیان شباهت و تفاوت مدافعه با وکیل می‌توان گفت دفاع در مددکاری اجتماعی بی‌طرفانه نیست؛

بلکه مددکار اجتماعی مانند وکیل مدافع، نماینده و طرفدار مراجع است. اما لازم به ذکر است که وکیل صرفاً در پی پیروزی است اما مددکار اجتماعی تلاش می‌کند حقوق دو طرف و منافع اجتماعی را مد نظر قرار دهد. مدافعه، اقدام اساسی مددکاری اجتماعی است؛ گرچه مددکار اجتماعی امیدوار است از طیف وسیعی از مشکلات اجتماعی پیشگیری کرده و به مراجع از طریق ایجاد تغییرات ساختاری کمک کند.

تکنیک‌های مدافعه شامل طیف وسیعی از جمله لابی‌گری، سازماندهی اجتماعی، مبارزات سیاسی و تحقیقات در زمینه سیاست‌گذاری است. در میانجی‌گری مناقشه از طریق فرآیند دادن و گرفتن حل و فصل می‌شود اما در مدافعه مددکار اجتماعی به دنبال تأمین منافع مراجع است.

تسهیل‌گری:

تسهیل‌گری فرایندی است که طی آن سعی می‌شود ابزار ابتکار عمل، تصمیم‌گیری و خلاقیت به افراد و گروه‌ها انتقال یابد تا باعث توانمندی آنان شود.

فرهنگ آکسفورد واژه تسهیل‌گری را یک عمل یا فرایند امکان‌پذیر کردن یا ساده کردن امور تعریف کرده است و تسهیل‌گر کسی است که از طریق شناسایی و حل مشترک مسائل، راهنمایی و غیره با افراد و گروه‌ها، در انجام کار و وظایفشان کمک می‌کند؛ در واقع به جای آنکه به آن‌ها بگوید چه کاری را انجام دهند، خود در نقش همکار و همیار حاضر می‌شود.

جوهره تسهیل‌گری بر آموزش، مشارکت و یادگیری توأم با عمل جهت توانمندسازی استوار است. تسهیل‌گری یک استراتژی است که برای مفید و مثمر ثمر بودن جلسات از آن استفاده می‌شود. در واقع تسهیل‌گر در فرایند گروهی و مسائلی که با منابع عمومی و سیاست‌ها سر و کار دارد تأثیرگذار است. برای مثال تسهیل‌گر می‌تواند در افزایش انگیزه به افراد کمک کند اما در خصوص طرفین دعوی، تسهیل‌گری زمانی موثر خواهد بود که طرف‌های درگیر به هم اعتماد داشته باشند و راه حل‌های ارائه شده را بپذیرند (گلیکن، ۱۳۹۰: ۲۰۶).

هنگام صحبت با یکدیگر آنقدر مشغول و درگیر مسائل خود باشند که به سخنان طرف دیگر توجه نکنند و آخرین مانع هنگامی اتفاق می‌افتد که طرفین از سخنان یکدیگر برداشت نادرست می‌کنند و سو تعبیر رخ می‌دهد.

برای رفع مشکل و تسهیل مذاکره می‌توان از دستورالعمل‌های ذیل استفاده کرد:

- شنونده‌ای فعال باشیم و به سخنان طرف مقابل به طور کامل گوش دهیم تا درک درستی داشته باشیم؛

- واضح و صریح سخن بگوییم تا طرف مقابل در فهم آن دچار مشکل نشود؛

- هدفدار صحبت کنیم و ... برای یک مذاکره موفق و مثمر ثمر نکات زیر توصیه می‌شود:

- پیشنهادات خود را در انطباق با ارزش‌ها و حفظ آبرو و حیثیت شخصی آن ارائه دهید؛

- دیگران را به خاطر مسائل و مشکلات خودتان سرزنش نکنید؛

- همدلی داشته باشید و خود را جای طرف مقابل قرار دهید؛

- در فرایند مذاکره، اجازه دهید طرف مقابل هیجانات خود که از قبیل خشم، ناراحتی و ... است را به راحتی بروز دهد؛

- از طرف مقابل بخواهید در فرایند مذاکره مشارکت داشته باشد.

منابع:

راهنمای مقدماتی برای مددکاری اجتماعی قضایی (مددکاری اجتماعی عدالت کیفری)، نویسنده: کتلین لویی، مترجم: فاطمه محمدی.
جایگاه مددکاری اجتماعی در قانون مجازات اسلامی و قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ (باید ها و ضرورت‌ها)، پژوهشگاه قوه قضائیه.

پس نتیجه می‌گیریم که تفاوت تسهیل‌گری با میانجی‌گری در آن است که میانجی‌گری در مواقعی که طرفین درگیر به بن بست می‌رسند و شرایط بالقوه خطرناکی به وجود می‌آید کاربرد دارد.

مهارت‌های مورد نیاز در تسهیل‌گری عبارتند از:

- مهارت‌های ارتباط بین‌فردی

- توانایی درک انتظارات افراد

- مهارت مدیریت زمان و تشخیص لحظات مناسب (چه زمانی تسهیل کند، چه زمانی اظهار نظر کند، چه زمانی گروه را به سمت تصمیم‌گیری هدایت کند، چه زمانی پایان دهد و ...)

- توانایی ایجاد شور و نشاط

- مهارت تفکر (سریع قضاوت نکردن، سنجیدن مطالب مراجعان)

و ...

مهارت مشارکت‌سازی، اعتمادسازی و درک انتظارات، سه مهارت مهم در تسهیل‌گری تلقی می‌شوند (ابراهیمی، ۱۳۹۱: ۹).

مذاکره:

مذاکره به معنای برقراری ارتباط و جریان مداوم رفت و برگشت ارتباطات به منظور رسیدن به یک تصمیم مشترک است. در مذاکره بر خلاف سایر روش‌ها به بخش سوم به عنوان بی‌طرف نیاز نیست. مذاکره عبارت است از برقراری ارتباط و جریان مداوم رفت و برگشت ارتباطات به منظور رسیدن به یک تصمیم مشترک و برقراری ارتباط بین افرادی که شناخت کمی از هم دارند و چه بسا یکدیگر را دشمن نیز می‌دانند (فیشر، ۱۳۹۲: ۱۰). در برقراری ارتباط سازنده سه مانع عمده وجود دارد: اولین مانع زمانی است که ممکن است طرفین دعوی با یکدیگر صحبت نکنند و تلاش کنند حقانیت

شخص سومی برسانند؛

زمانی که

خود را برای به اثبات مانع دیگر است طرفین دعوی



Social Work Intervention in Criminal Justice Vijay Raghavan

مداخله مددکاری اجتماعی در عدالت کیفری

ترجمه و تلخیص: آناهیتا کهن، سپیده وکیلی پور

بتوانند با اعضاء خانواده و دوستان خود دیدار داشته باشند.

قوانین مربوط به زندانیانی که در حال محاکمه هستند: زندانیانی که در حال سپری کردن دوران محاکمه هستند، می‌بایست بر اساس سن و سال (جوانان می‌بایست از بزرگسالان در بندهای جداگانه‌ای نگهداری شوند) نگهداری شده به نحوی که بتوانند از لباس‌ها و غذاهای خانگی استفاده کنند.

روابط اجتماعی و دوران بعد از زندان: هر تنبیهی می‌بایست در جهت اصلاح و بازپروری صورت گیرد. پیش از پایان دوران محکومیت باید اقدامات لازم صورت گیرد تا زندانی بتواند به زندگی عادی باز گردد. این اقدامات می‌تواند شامل کارهایی چون صدور مدارک و اوراق شناسایی مناسب، برخورداری از کار و منزل خوب، لباس مناسب با شرایط آب و هوایی و اجتماعی و نیز پول کافی برای رسیدن به مقصد و سپری کردن یک مدت باشد.

قانون اساسی هندوستان

۱- در ماده ۱۴ قانون اساسی ذکر شده است که دولت نباید هیچ فردی را از حق برابری در برابر قانون محروم کرده و یا آنکه دولت موظف است در سراسر قلمرو کشور هندوستان، از اعمال قانون، صیانت به عمل آورد.

۲- در ماده ۱۹ قانون اساسی، حق شش نوع آزادی برای هر یک از شهروندان هندوستان تضمین شده است. آزادی‌هایی چون آزادی نقل و مکان و سکونت کردن در هر نقطه‌ای کشور، آزادی شغل و پیشه و تجارت که زندانیان به دلیل ماهیت این آزادی‌ها و نیز شرایط زندان نمی‌توانند از آن بهره‌ای ببرند؛ اما آزادی‌های دیگری مانند آزادی بیان یا آزادی عضویت در یک انجمن یا گروه در چارچوب‌های زندان برای زندانیان فراهم است.

۳- ماده (۱) ۲۰ از مردم در برابر قوانین تاریخ گذشته حمایت می‌کند؛ به این مفهوم که تنها بر

گسترش شدید شهرنشینی باعث افزایش نرخ جرم و جنایت شده است. از سوی دیگر مهاجرت باعث وارد شدن فشار مضاعف بر روی زیرساخت‌های ناقص شهری شده است که مشکلات اجتماعی مختلفی به همراه دارد که از شدت‌های مختلفی برخوردار می‌باشد. وجود آشوب و اضطراب در میان جوانان خود باعث ظهور جرم و جنایت‌های جدیدی مانند خشونت‌های گروهی و تروریسم شده است. تجارت باعث شده است تا فحشا از فاحشه خانه‌ها به سطح خیابان‌ها کشیده شود. مواد مخدر، نوشیدنی‌های الکلی، کودکان کار و فحشا به حدی گسترش یافته‌اند که تا کنون دیده نشده است.

برخی از توصیه‌های خاص در خصوص درمان زندانیان به شرح زیر می‌باشد:

قوانین کلی: مسائلی چون نژاد، جنسیت، رنگ پوست، مذهب، عقاید سیاسی و سایر اندیشه‌ها، ریشه‌های ملی یا اجتماعی، میزان دارایی‌ها، تولد یا هر مسئله دیگری نباید مبنایی برای تبعیض بین انسان‌ها باشد. همه کشورها به اعتقادات مذهبی و مفاهیم اخلاقی حاکم بر جوامعی که زندانیان به آنها تعلق دارند، باید احترام بگذارند. قوانین مربوط به جداسازی زندانیان: برای جداسازی زندانیان بر اساس جنسیت، سن و سال، سوابق ارتکاب جرم و جنایت و سایر شرایط باید قوانینی وضع شود. محل نگهداری زندانیان زن و مرد، زندانیان عادی و جنایی و زندانیان جوان از زندانیان بزرگسال باید جدا باشد.

قوانین مربوط به تامین حداقل امکانات: برای زندانیان مختلف، امکانات رفاهی، تخت خواب، لباس، غذا با ارزش غذایی مناسب، امکانات بهداشتی مناسب و کارکنان درمانی با صلاحیت باید در نظر گرفته شود. امکانات دیگری مانند تلویزیون، رادیو، روزنامه، مجله و کتاب نیز برای آنها باید فراهم شود. زندانیان در فواصل زمانی معین و منظم باید

ندارد، طبق مفاد بخش ۱۴، این مقام درمانی است که مسئولیت تهیه گزارش و تحویل آن را دارد.

۵- طبق قوانین زندان‌ها، زندانیان زن و مرد می‌بایست از هم جدا باشند و نیز زندانیانی که در حال محاکمه می‌باشند، می‌بایست جدا از محکومان زندانی بوده و نیز زندانیان مذکر زیر بیست و یک سال و بالای بیست و یک سال می‌بایست از هم جدا نگهداری شوند.

دستورالعمل‌های زندان:

در ورای دستورالعمل‌های زندان‌ها که به وسیله مقامات ایالاتی تنظیم شده‌اند، احکامی قرار دارد که در قوانین زندان‌ها ذکر شده است. در قوانین مدل زندان‌ها مصوب ۱۹۷۰ (هندوستان، ۱۹۷۰)، اصولی تبیین شده است که راهنمای کار بوده و بر اساس آن‌ها، بسیاری از ایالات دستورالعمل‌های زندان‌های خود را به روز رسانی کرده‌اند. برخی از موارد مشترک در این دستورالعمل‌ها به شرح زیر می‌باشد:

۱. متهمانی که هنوز دادگاه آن‌ها اتمام نیافته است، مجاز می‌باشند تا از لباس، غذا و دیگر ملزوماتی استفاده کنند که خود تهیه کرده‌اند به نحوی که در ساعات مقرر، می‌توانند برای تهیه این ملزومات با منابع خود تماس برقرار کنند.

۲. زندانیان محکوم به اعمال شاقه، نباید بیش از ۹ ساعت در روز کار کنند. نوع کار واگذار شده به زندانی می‌بایست توسط مقام درمانی و براساس معاینات فیزیکی که هر ۱۵ روز یکبار بر روی بیمار انجام می‌شود، به او واگذار شود.

۳. برای خطاهایی چون عدم اطاعت ارادی از دستورات، زورگویی، ادبیات نادرست و مواردی از این قبیل، می‌توان تنبیهات را بر روی زندانیان خاطی بکار برد. این تنبیهات می‌توانند کار با اعمال شاقه، سلول انفرادی، کاهش جیره غذایی و مواردی از این قبیل باشند؛ اما اعمال دو تنبیه به صورت همزمان مجاز نیست که برای سلامتی زندانی مضر باشد.

۴. ملاقات با اعضاء خانواده در فواصل زمانی منظم و تنظیم شده، هم برای محکومان و هم برای افراد تحت محاکمه، بر اساس دستورالعمل‌های زندانیان در ایالت‌های مختلف، از دو بار در هفته تا یکبار در

اساس قوانین جاری در زمان وقوع جرم می‌توان فرد را محاکمه کرد و قوانین قدیمی در این خصوص قابل استناد نمی‌باشند.

۴- ماده (۲) ۲۰ مانع از آن می‌شود که فرد بابت ارتکاب یک جرم دو بار تحت تعقیب و محاکمه قرار گیرد که همان اصل «مخاطره مضاعف» است.

۵- طبق ماده (۳) ۲۰ مقامات زندان یا ماموران دولتی مجاز نیستند فرد بازداشت شده را وادار به شهادتی کنند که می‌تواند او را مجرم نشان دهد.

۶- بر طبق ماده ۲۱، هیچ فردی را نباید از زندگی و یا آزادی شخصی محروم ساخت. تنها راه اعمال این محدودیت‌ها، طی کردن فرایندی است که قانون آن را مشخص کرده است.

۷- طبق ماده (۱) ۲۲، هر شخصی که به ارتکاب جرمی متهم می‌شود، برای دفاع از خود، او مجاز به استفاده از وکیل مدافعی است که خود انتخاب کرده باشد. طبق این ماده، دولت موظف است از بدو بازداشت فرد، بدون دریافت هزینه‌ای، یک وکیل حقوقی با صلاحیت را در اختیار فرد بگذارد تا در دادگاه حقوقی از او دفاع کند.

۸- طبق ماده ۳۹-A دولت موظف است خدمات کمکی حقوقی را فراهم کرده و رایگان در اختیار فرد قرار دهد.

۹- در مواد (۴) ۲۲ تا (۷) ۲۲ برای حمایت از بازداشت‌شدگان تحت قوانین پیشگیرانه، قوانینی وضع شده است.

قانون زندان‌ها مصوب سال ۱۸۹۴ میلادی:

در قوانین زندان‌ها مصوب ۱۸۹۴ (هندوستان، ۱۹۵۷ میلادی) شرایط برای نگهداری و اصلاح زندانیان مشخص شده و محدودیت‌هایی را در خصوص نوع تنبیه اعمالی بر روی زندانیان جزایی توسط مقامات زندان، مشخص کرده است.

۱- تامین امکانات رفاهی مناسب برای زندانیان

۲- در صورت شیوع بیماری و افزایش بیش از حد جمعیت در زندان، در بخش ۷، دولت موظف به تامین امکانات رفاهی موقت شده است.

۳- در بخش ۱۳، مسئولیت امور بهداشتی در زندان به عهده مقام درمانی گذاشته شده است.

۴- هرگاه مشخص شود که یک زندانی از نظر شرایط روحی و ذهنی در وضعیت مناسبی قرار

هفته مجاز است.

بیشتر از آزادی مشروط استفاده کرد.

۵. در دستورالعمل‌های زندان، قوانینی در خصوص آزادی مشروط یا مرخصی برای تداوم ارتباط با خانواده و اجتماع وضع شده است که برای اصلاح و بازپروری زندانی مفید می‌باشند. بر اساس قوانین زندان، تحت شرایط خاص، زندانی می‌تواند به مرخصی برود مشروط بر آن که مدت مرخصی از ده روز بیشتر نشود؛ البته مدت زمان سفر شامل این ده روز نمی‌باشد.

مددکاران اجتماعی که مسئول نگهداری و بهبود روابط زندانیان با خانواده خود و سازمان‌های اجتماعی ارزشمند هستند، می‌بایست با این موسسات ارتباط برقرار کنند.

در ذیل توصیه‌هایی برای بهبود شرایط زندانیان ارائه شده است:

- ایجاد موسساتی جداگانه برای زنان مجرم.
- طبقه‌بندی زندان‌ها و بخش‌های مختلف آن برای زنان مجرم
- در زندان‌ها یا بخشی‌هایی از زندان که تعداد زنان کافی باشد، باید از یک درمانگر خانم تمام‌وقت استفاده شود. در غیر این صورت باید با هماهنگی نزدیک‌ترین بیمارستان،

یک پزشک زن معین شود تا به صورت پاره‌وقت مشغول به کار شود و یا آنکه در زمان لازم زندانیان را مورد ویزیت قرار دهد.

- در خصوص جداسازی، محافظت، مراقبت، درمان، آموزش و بازپروری زنان، باید توجهات ویژه مبذول گردد.

- بازرسی‌ها می‌بایست در حضور وکیل یا خویشاوند و یک کارمند مونث صورت گیرد و نباید از پلیس برای بازرسی‌ها استفاده شود. زنان می‌بایست در اتاق‌های جداگانه باشند و توسط نیروهای مونث همراهی شوند.

- طبق قانون، وثیقه حق مسلم زنان زندانی است که هنوز محاکمه آن‌ها در جریان است و برای دور نگاه داشتن آن‌ها از زندان می‌بایست هر چه

تاکید خاص بر روی نقش جامعه و سازمان‌های مردم‌نهاد یا NGOها:

برای حل مشکل جرم و جنایت و رفع آن و بازپروری مجرمین برای مواجه شدن با شرایط اقتصادی □ اجتماعی، توصیه می‌شود از یک روش دو وجهی استفاده شود که هم به زندانیان کمک می‌کند آزاد شوند و هم آنکه دوباره در جامعه جایی برای خود پیدا کنند.

نقش مددکاران اجتماعی در زندان‌ها

توصیه بر آن است تا به زندانی به گونه‌ای آموزش داده شود تا بتواند با هیجانات آنی، به ویژه محاکمات خانواده و کودکان خود کنار بیاید. برای کمک بهینه به زندانی به ویژه به عنوان یک رابط بین زندانی و خانواده‌اش، نیاز به استفاده از مددکاران اجتماعی آموزش دیده و خبره است. وظیفه اصلی این مددکاران اجتماعی، زندان و امنیت آن نیست، بلکه حل کردن زندانی در اجتماع است؛ در ضمن این مددکاران اجتماعی می‌توانند فعالیت‌هایی را برای زندانیان تحت محاکمه ترتیب دهند تا بتوانند بدون اجبار از وقت خود به صورت معنی‌داری استفاده کنند. این مددکاران اجتماعی ابزاری مناسب برای مدیریت زندان بوده تا مسائل گروهی و اجتماعی را درک کرده و از آن نه تنها در جهت منافع زندانیان، بلکه در جهت منافع کارکنان زندان استفاده کنند.

ارائه خدمات بعد از سپری کردن دوران محکومیت دوران پس از حبس و کمک به زندانیان بعد از آزاد شدن

این دوران را باید به عنوان بخشی از دوران محکومیت زندانی و اجرای برنامه رفاهی زندان در نظر گرفت. این فعالیت‌ها در واقعی ادامه همان برنامه‌های مراقبتی برای مجرم می‌باشند که پیش از حبس،



آموزش‌ها می‌بایست دربرگیرنده آموزش‌های فیزیکی، سلامتی، تحصیلی، اجتماعی، فنی حرفه‌ای، اخلاقی، معنوی و فرهنگی باشد. در این برنامه باید از افراد حرفه‌ای که به خوبی آموزش دیده باشند و نیز سازمان‌های مردم‌نهاد به صورت گسترده‌ای استفاده کرد. می‌توان از معلم‌های بخش آموزش بزرگسالان برای این منظور استفاده نمود. به منظور نیل به اهداف مورد نظر، باید به صورت گسترده‌ای از دانشگاه‌های آزاد، مدارس خصوصی، آموزش از راه دور و برنامه‌های سمعی - بصری استفاده نمود.

- برای ارتقاء عادت مطالعه کردن و ارتقاء مهارت‌های مطالعه در کم‌سوادان و نوآموزان باید کتابخانه‌هایی تاسیس شود که توسط کارکنان آموزش‌دیده اداره می‌شوند تا دانش زندانیان تکمیل شود.

- برنامه‌هایی برای اشتغال و آموزش فنی و حرفه‌ای:

در این برنامه‌ها، اصول مهم مربوط به اهداف، روش‌ها، انواع، ضمانت‌ها، امکانات، حقوق و دستمزد و نیروی انسانی مورد نیاز برای به سرانجام رساندن آن‌ها، مورد بحث قرار گرفته‌اند. در ضمن توصیه‌هایی برای سیاست‌گذاری برای ایجاد شغل در بخش‌های مختلف صنایع کشاورزی ارائه شده که توسط حکومت برای اشتغال زندانیان آزاد شده که در زندان آموزش دیده‌اند، فراهم شده است.

- امور رفاهی زندانیان:

برای این منظور باید خدمات مشاوره‌ای، روان‌درمانی و راهنمایی به زندانیان ارائه شود. این امر نیازمند به‌کارگیری متخصصان امور رفاهی، روان‌درمان‌ها و بکارگیری سازمان‌های مردم‌نهاد می‌باشد.

در دوران حبس و بعد از سپری کردن دوران حبس به اجرا در می‌آیند.

پیشنهادات تایید و ارائه شده توسط « کمیته اصلاح زندان‌ها در سال ۱۹۸۳ » برای انجام اصلاحات به شرح زیر می‌باشند:

- طبق این پیشنهادات اقدامات حفاظتی و نیز مراقبتی که بعد از دوران حبس باید صورت گیرد، می‌بایست با اقدامات واحد زندان‌ها ادغام شده و یک کاسه شوند.
- احداث حداقل یک خوابگاه با امکان ارائه خدمات رفاهی بلند یا کوتاه‌مدت برای هر منطقه.
- اجرای برنامه برای اسکان و اشتغال زندانیان
- اختصاص سهمیه برای استخدام در بخش‌های دولتی
- اعطای وام و یارانه برای خود اشتغالی
- پیگیری پرونده‌ها
- انتشار اطلاعات از طریق رسانه‌ها

کانون‌های مراقبتی

یکی دیگر از پیشنهادات ارائه شده توسط این کمیته، ایجاد یک کانون برای ارائه خدمات در دوران حبس، ارائه مشورت‌های اجتماعی و هرگونه کمک برای دوران بعد از آزادی می‌باشد. این کانون حکم یک انجمن مورد تایید را خواهد داشت که در آن امکانات رفاهی، اجتماعی، حقوقی، مددکاری و کمک‌های اقتصادی در یک قالب کلی و زیر یک چتر ارائه می‌شوند که قابل اجرا تحت پوشش و نظارت زندان می‌باشد.

دستورالعمل مدل، برای زندان‌ها، یک ابتکار جدید در این‌گونه اقدامات می‌باشد که توسط دایره تحقیق و توسعه پلیس در دولت هندوستان (۲۰۰۳) ارائه شد. در این گزارش، فصول مختلفی به مواردی چون تحصیل، آموزش فنی و حرفه‌ای و برنامه‌های کار، امور رفاهی و بازپروری زندانیان اختصاص داده شده است. بعضی از موارد ذکر شده در دستورالعمل مدل به شرح زیر می‌باشد:

- تحصیل:
- در این گزارش ذکر شده است که سیاست‌ها باید به سمت باسواد کردن افراد بی‌سواد و تکمیل تحصیلات زندانیان باسواد هدف‌گیری شود. این

بررسی پیامدهای زندانی شدن با تاکید بر خانواده های زندانیان

مطهره السادات دشتی، دانشجوی کارشناسی مددکاری اجتماعی دانشگاه خوارزمی

مقدمه

خانواده یکی از نهادهای مهم اجتماعی است که این نهاد می تواند بر رخ دادن آسیب های اجتماعی تاثیرگذار باشد و بالعکس آسیب های اجتماعی بر آن تاثیرگذار باشند. زندانی شدن پیامد بزهکاری است و یک آسیب اجتماعی محسوب می شود و گاهی می تواند باعث بروز آسیب های اجتماعی دیگری هم شود؛ همچنین بر نهاد خانواده پیامدهای منفی بگذارد و آن را تحت تاثیر خود قرار دهد. ضمن اینکه خانواده در بزهکاری افراد و به تبع آن زندانی شدن فرد تاثیرگذار می باشد.

بنابراین تقویت این نهاد حائز اهمیت است. امروزه خانواده در معرض آسیب های فراوانی است که یکی از این آسیب ها، پیامدهایی است که ناشی از زندانی شدن یکی از اعضا خانواده می باشد.

تعاریف اصلی

بزهکاری: همانطور که گفته شد، زندانی شدن یکی از پیامدهای بزهکاری و جرم محسوب می شود و میچل آن را وضعیتی نام برده است که معمولا برای توصیف حداقل اعمال خلاف و تخلف از مقررات به کار برده می شود. (michell, ۱۴: ۱۹۸۹)

زندان: محلی است که در آن محکومان دارای حکم قطعی با معرفی مقام صلاحیت دار قضایی و قانونی برای مدتی معین یا به طور دائم به منظور اجرای کیفر، با هدف حرفه آموزی، بازپروری و ... نگهداری می شوند. (آیین نامه اجرایی سازمان زندان ها، ماده ۱)

خانواده: خانواده را می توان هم به عنوان یک نهاد اجتماعی و هم به عنوان یک گروه یا واحد اجتماعی در نظر گرفت و به طور کلی عبارت است از گروهی از افراد که از راه خونی، زناشویی یا فرزندپروری با یکدیگر ارتباط دارند و طی یک دوره زمانی نامشخص باهم زندگی می کنند.

پیامد های زندان بر زندانی و خانواده زندانی: امروزه نهاد خانواده در معرض آسیب های فراوانی

قرار دارد و شناخت تمامی عوامل آسیبزا ضروری می باشد. یکی از این عوامل آسیب زا، زندان ها و پیامدهای آن بر خانواده است. به طور کلی مجموعه پیامدهای زندان بر خود زندانی عبارت است از:

۱- فردی و شخصیتی: هرچند زندانی شدن آثار مثبت چون رشد و شکوفایی خلاقیت های فردی، خوداتکایی و کاهش وابستگی به دیگران و ... را به دنبال دارد، اما پیامدهایی نظیر بروز پدیده های توهم، سیطره شک و تردید، یأس، سلب اختیار، ترس و تضعیف اعتماد به نفس، سرکوب غرایز و محدودیت در برآوردن نیاز های طبیعی و غریزی، رفع محرک های محیطی و بیرونی و قلبی و وابستگی به امور پیش پا افتاده، از جمله پیامدهای منفی زندانی شدن هستند. (غنی، ۱۳۸۸)

۲- اجتماعی: در این حوزه می توان پیامدهایی از قبیل برچسب خوری، کاهش مشارکت اجتماعی، کاهش سازگاری، انزوای اجتماعی، کاهش همبستگی اجتماعی و در نهایت نوسان سرمایه اجتماعی را عنوان کرد.

۳- اقتصادی: میانگین سنی زندانیان در جهان معمولا بین ۲۰ تا ۵۰ سال است که سن فعالیت و کارآمدی است (همت زاده، ۵۰). نیروی جوان و انسانی در این سنین، اقتصادی ترین نیروی اجتماعی می باشند. همچنین در سال ۱۳۸۹ هزینه نگهداری هر زندانی ماهی ۱۲۰ هزار تومان بوده است که این رقم با افزودن هزینه پرسنل انتظامی دستگاه قضایی، ساختمان ها، خودروها و سایر موارد چند برابر می شود؛ هرچند که بخشی از آن توسط بیت المال و دولت پرداخت می شود اما در سطح خرد، فقر خانواده زندانی را به دنبال دارد.

۴- فرهنگی: مسئله انزوای فرهنگی، اختلال در جامعه پذیری، پس افتادگی و ناهنجاری فرهنگی در زندانیان و خانواده آنان و از بین رفتن بخشی از منابع و ثمرات فرهنگی از جمله پیامدهای فرهنگی زندانی شدن افراد است.

۵- سیاسی: در حوزه سیاسی می توان به رشد

بعد اجتماعی و فرهنگی خانواده به دلیل اینکه یک پایه اصلی در جامعه است، به طور مستقیم از شرایط ناشی از زندانی شدن عضو خود تاثیر می‌پذیرد و بخشی از این تاثیرپذیری را خواه ناخواه به جامعه منتقل می‌کند؛ برای مثال زندانی شدن بر روند آموزش رسمی (مثل افت تحصیلی اعضای خانواده) و آموزش‌های غیر رسمی (مانند فراگیری هنجارها و درونی کردن آن‌ها) تاثیر منفی می‌گذارد.

-احتمال آسیب‌پذیری و استعداد جرم‌خیزی در خانواده کسانی که به دلیل بزهکاری‌های اجتماعی زندانی شدن زیاد است. همچنین تمایلات بزهکارانه در فرزندان زیاد می‌شود.

-زندانی شدن یکی از اعضا، باعث انزوای سایر اعضای خانواده می‌شود و بهداشت روانی آنان را تضعیف می‌کند؛ همین امر سبب کاهش روابط اجتماعی با دوستان، همسایگان یا خویشاوندان می‌شود.

-ایجاد احساس تنهایی و ناامنی که اکثراً مشکل زنانی است که همسرانشان در زندان هستند؛ در نتیجه زنان باید مسئولیت‌ها و نقش‌های جدیدی را بپذیرند. همچنین ترس از برچسب خوردن اجتماعی و عدم همدردی دیگران باعث افزایش استرس و عوارض جسمی و شیوع افسردگی در بین فرزندان می‌شود. (سلیمی، ۱۳۹۱)

-ضد اجتماعی شدن در خانواده زندانیان به دلیل

بدبینی و بی‌اعتمادی و احساس خصومت نسبت به نظم موجود، تقلیل همبستگی، تقویت احتمال بروز کنش‌های بالقوه و بالفعل سیاسی از جنس وندالیستی، پرخاشگری و اعمال خشونت، تشدید ناامنی و ... اشاره کرد.

همه انواع پیامدهایی که در بالا بیان شد به یک نوع مستقیم یا غیرمستقیم بر خانواده زندانیان تاثیرگذار می‌باشد.

مهم‌ترین پیامدهای زندانی شدن بر خانواده زندانیان:

بعد اقتصادی

-خانواده نان‌آور خود را از دست می‌دهد و تمامی مسئولیت‌های مالی و روانی بر عهده سرپرست جدید قرار می‌گیرد. ضمن این که منابع درآمدی خانوار قطع می‌شود و یا کاهش پیدا می‌کند که همین امر احتمال مشکل در امرار معاش را برای خانواده زندانی افزایش می‌دهد.

-به دلیل فقدان تغذیه و نبود امکانات درمانی و بهداشتی زندان‌ها، اغلب خانواده‌ها باید هزینه ای برای مخارج زندانی پرداخت کنند که هزینه ای سنگین برای آنان محسوب می‌شود. همچنین اکثر زندانیان در طبقه ضعیف هستند و بار مالی زندانی بر دوش خانواده سنگینی می‌کند. بر اساس آیین‌نامه زندان‌ها، هر زندانی از لحظه ی ورود به زندان باید بیمه باشد که البته چند سالی است طی یک دستورالعمل، هزینه‌های دندان‌پزشکی که

به خودی خود سنگین و زیاد است، برعهده خود زندانیان می‌باشد.

-فقدان یا محدودیت‌های شغلی که برای همسر یا فرزندان زندانی به دلیل زندانی بودن یکی از اعضای خانواده رخ می‌دهد و یا برچسب زنی‌های اجتماعی و پیش‌داوری‌هایی که صاحبان مشاغل را مانع از استخدام اعضای خانواده زندانیان می‌کند.

-از بین رفتن پس اندازهای خانواده.



پدیده برچسب‌زنی، طرد اجتماعی، وجود نگاه‌های شک‌آلود و بیم نسبت به خانواده، رخ می‌دهد و به تدریج تبدیل به یک آسیب می‌شود؛ اما فرایند ضد اجتماعی شدن در نبود نهادهای میانجی و حمایتی رخ می‌دهد. به هر میزان که همبستگی و حمایت اجتماعی کاهش یابد، احتمال ضد اجتماعی شدن افراد افزایش پیدا می‌کند.

طرد اجتماعی، شایع‌ترین پیامد زندانی شدن می‌باشد. جامعه ممکن است در مقابل خانواده زندانی با بدبینی و احتیاط عمل کند و دوری‌گزینی کند؛ همچنین خود فرد زندانی ممکن است هم درون خانواده و هم در جامعه طرد شود. هرچقدر جامعه بسته‌تر باشد احتمال طرد اجتماعی بیشتر است.

از جمله پیامدهای مهم دیگر می‌توان به کم شدن قدرت جامعه‌پذیری فرزندان، افزایش احتمال طلاق و از هم گسیختگی خانواده اشاره کرد.

مددکاری اجتماعی و خانواده زندانیان:

مددکاران اجتماعی باید بتوانند نقش کلیدی در کار با خانواده‌های زندانیان ایفا کنند؛ بدین معنی که به اعضای خانواده آنان کمک کنند تا با آثار سوء اقتصادی، اجتماعی و روانی ناشی از زندانی بودن عضوی از خانواده کنار بیایند. همچنین می‌توانند به زندانی یا خانواده‌اش کمک کنند تا زمینه لازم و شرایط مساعد برای بازگشت زندانی به خانواده و خنثی شدن تاثیر این حادثه روی نقش‌ها و منزلت اجتماعی-اقتصادی خانواده فراهم آید. (انور صمدی راد، ۱۳۸۳)

سخن نویسنده:

مسئله پیامدهای زندان بر خانواده زندانیان دارای ابعاد گسترده‌ای می‌باشد و به دلیل بنیادی بودن نهاد خانواده حائز اهمیت است.

هر خانواده زندانی بر اساس جرم زندانی از دیگر خانواده‌ها متفاوت می‌شود و مشکلات خاص خودش را دارد؛ در واقع میان نوع جرمی که مجرمین مرتکب می‌شوند و وضعیت خانواده‌های آنان تفاوت وجود دارد. برای مثال، وضعیت خانواده زندانی مواد مخدر با خانواده ی زندانی محکوم به

قتل متفاوت می‌باشد.

خانواده‌های زندانیان با مشکلات متعددی مانند طرد اجتماعی، برچسب‌زنی‌های اجتماعی، پیش‌داوری و قضاوت، احساس تنهایی و خلأ عاطفی و ... روبه‌رو می‌شوند که هر یک از آنان آثار مخربی بر روان اعضای خانواده می‌گذارد.

اگر حمایت اجتماعی در برخورد با خانواده‌های زندانیان افزایش یابد، احتمال میزان آسیب‌های روانی کاهش پیدا می‌کند. همچنین اگر جامعه به دور از برچسب‌زنی با آنان برخورد کند، احتمال ضد اجتماعی شدن اعضا خانواده و بزهکار شدن آنان کاهش پیدا می‌کند.

تقویت نهادهای مدنی و حمایتی از جمله راهکارهایی می‌باشد که منجر به کاهش پیامدهای منفی زندان بر خانواده و جامعه می‌شود.

در کنار اینها، رسانه‌ها در اصلاح نگرش‌های جامعه به مسئله ی جرم، زندان، خانواده زندانی و شیوه کنترل جرم، در ذهنیت مردم و مدیران نقش تعیین کننده‌ای دارند.

منابع

۱. پیامدهای زندانی شدن بر خانواده زندانیان / عمادالدین باقی، میرطاهر موسوی / ۱۳۹۶
۲. مطالعه جامعه‌شناختی تاثیر وضعیت خانوادگی در بزهکاری زنان در تهران / فریبا زمانی / ۱۳۹۱
۳. بررسی کیفی تاثیر خانواده در میزان بزهکاری دختران و زنان / علی ربانی خوراسگانی، حوریه ربانی اصفهانی / ۱۳۹۲
۴. آیین نامه اجرایی سازمان زندان ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور
۵. مددکاری اجتماعی در سیستم قضائی : نقش مددکار اجتماعی در زندان ها و مراکز اصلاح و تربیت / دکتر انور صمدی راد / ۱۳۸۳
۶. روابط متقابل نهاد سیاسی و دولت با خانواده / دکتر مسعود گلچین
۷. جامعه شناسی خانواده / گئورگ زیمل، ترجمه فرهاد گوشی، حشمت السادات معینی فر / ۱۳۸۴

مددکاری اجتماعی و حمایت از کودکان و نوجوان در فرآیند دادرسی

تنظیم‌کننده مصاحبه: فرنوش فقیهی، دانشجوی کارشناسی مددکاری اجتماعی دانشگاه خوارزمی

مقدمه

می‌باشند. سرکار خانم رحمانی علاوه بر دادگاه اطفال به عنوان مددکار اجتماعی در سایر قسمت‌های دستگاه قضایی حضور مؤثری دارند که می‌توان به همکاری با دفتر سرپرستی محجورین دادگستری، فعالیت در واحد سرپرستی دادگستری و همکاری با دادگستری در جهت بازدید و مداخله آسیب‌ها در خانواده و داوری طلاق اشاره کرد.

برای کسب اطلاعات بیشتر راهی کلینیک مددکاری اجتماعی ایشان «صدای زندگی» شدیم. پس از لحظاتی با گفتن مقدمه‌ای کوتاه و آشنایی مختصر با ایشان مصاحبه را شروع می‌کنیم.

خانم رحمانی گرامی، شما به عنوان مددکار اجتماعی در چه حوزه‌هایی فعالیت داشته‌اید؟

ابتدا سلام عرض می‌کنم خدمت شما و خوش‌آمد می‌گم خدمت شما عزیزان. خیلی خوشحال هستم که می‌بینم دانشجویان رشته مددکاری اجتماعی علاقمند به فعالیت در این حوزه هستند. بنده به عنوان مددکار اجتماعی در حیطه‌های مختلف به

در میان دانشجویان مقطع کارشناسی رشته مددکاری اجتماعی وقتی سخن از مددکاری اجتماعی قضایی و دادگستری می‌شود، همه سراپا گوش می‌شوند و با اشتیاق از علاقه خود به این حوزه می‌گویند و اغلب برایشان جای سوال است که مددکار اجتماعی در این حوزه چه فعالیت‌هایی انجام می‌دهد، چگونه استخدام شده و برای موفقیت در این حوزه باید چه الزاماتی را رعایت کرد. نشریه علمی-تخصصی مددکاری اجتماعی دانشگاه خوارزمی برای پاسخ به این قبیل سوالات و افزایش آگاهی دانشجویان رشته‌ی مددکاری از این حوزه کاری، مصاحبه‌ای با مددکار اجتماعی حوزه قضایی تنظیم کرده است.

سرکار خانم پروین رحمانی متولد ۱۳۵۲/۱/۱ بنیان‌گذار و مدیر کلینک صدای زندگی، عضو انجمن مددکاری ایران و مدیر مرکز مثبت زندگی (وابسته به بهزیستی) می‌باشند. ایشان از مددکاران اجتماعی فعال در حوزه پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و مشاور (مددکار اجتماعی) دادگاه اطفال



SHOT ON POCO X3 NFC

خصوص در موضوعات مرتبط با خانواده و مداخله در موضوعات بین فردی زوجین جهت پیشگیری از طلاق و یا مشاوره و داوری طلاق فعالیت مستمر دارم. مدتی به صورت افتخاری، تمام وقت با دفتر سرپرستی دادگستری محجورین و بچه‌های بی‌سرپرست صغیر و در کمک به خانواده‌های این عزیزان همکاری می‌کردم که پس از مدتی، به دلیل مشغله کاری به صورت پاره‌وقت روی معدودی از پرونده‌های مهم در خدمت این نهاد هستم و در حال حاضر مشاور دادگاه اطفال هستم. همچنین در راستای اهداف پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و آگاه‌سازی و توانمندسازی زنان و جوانان در فرهنگسرای منطقه حصار اصفهان فعالیت دارم. تلاش من و همکارانم در مرکز صدای زندگی که متشکل از یک تیم تخصصی از مددکاران، روانشناسان، مشاوران و وکلای دادگستری است، ارتقا سطح آگاهی، فرهنگ و دانش افراد جامعه و کمک به بهزیستی همه اقشار جامعه است.

در بین صحبت‌هایتان از دادگاه اطفال گفتید، لطفا درباره مددکاری اجتماعی قضایی و ارتباطش با اطفال توضیح دهید؟

مددکاران اجتماعی در حقیقت بالینی‌ترین مأموران پیرا قضایی هستند و افرادی که وارد این حوزه می‌شوند باید دانش حقوقی، جامعه‌شناختی و روانشناسی داشته باشند. با توجه به اصول حاکم بر دادگاه اطفال، مددکار اجتماعی می‌تواند نقش‌های متعددی از نخستین دیدار کودک با دادگاه تا صدور و اجرای حکم بر عهده بگیرد. دادگاه اطفال دادگاهی است برای کودکان زیر ۱۸ سال که بزه‌ی انجام داده‌اند و این بزه یک جرم کیفری (مثل: مواد مخدر، ضرب و شتم و ...) محسوب می‌گردد تشکیل می‌گردد. شیوه دادرسی اطفال و نوجوانان تفاوت‌های متعددی با شیوه دادرسی بزرگسالان دارد. در این بین مددکار اجتماعی با بهره‌گیری از دانش تخصصی خود و با حضور در سراسر فرآیند کیفری، با ارائه مشاوره به تصمیم‌گیران قضایی، ورود کودک به دادرسی کیفری را تسهیل کرده و در بازتوانی و حمایت از آن‌ها نقش مؤثری دارد. زمانی که کودکی مرتکب جرمی می‌شود و توسط مراجع انتظامی به دادگاه ارجاع داده می‌شود، در

ابتدا دادگاه بدوی تشکیل می‌شود تا چرایی جرم مشخص شود؛ پس از آن یک جلسه مشاوره برای تشکیل پرونده شخصیت انجام می‌گردد. در این پرونده، مشخصات فردی، خانوادگی، روانی، محل زندگی فرد و ... به همراه نظر و پیشنهادات مددکار اجتماعی و مشاور نوشته می‌شود و مشاور می‌تواند همانند یک وکیل تا روز دادگاه با کودک و خانواده ملاقات کرده و اطلاعات لازم را کسب کند. در ادامه روند دادرسی، وکیل تسخیری از طرف دادگاه برای پرونده تعیین شده که در روز دادگاه وکیل به همراه مشاور کودک در جلسه دادگاه حاضر شده و از کودک دفاع می‌کنند و در صورت لزوم دفاعیات به صورت لایحه تقدیم دادگاه می‌گردد.

لطفا درباره میانجی‌گری مددکاران اجتماعی در حوزه قضایی توضیح دهید.

میانجی‌گری یکی از نقش‌های مددکار اجتماعی در دادگاه است و در حال حاضر در نظام عدالت کیفری کشور به واسطه نقش میانجی‌گری مددکار اجتماعی تلاش می‌شود تا در صورت امکان پرونده‌ها و موضوعات پیش از آن که به دادگاه ارجاع شوند، حل و فصل شوند؛ همانند موضوعاتی که جهت حل و فصل به مراکز شورای حل اختلاف ارجاع می‌شود. در حال حاضر دادگستری در حال راه اندازی مراکز میانجی‌گری تخصصی است تا زیر نظر قوه قضاییه فعالیت کنند.

معمولاً کودکانی که مرتکب جرم می‌شوند، پس از پایان یافتن جریان پرونده و آزادی آنها از مرکز اصلاح تربیت، مددکار اجتماعی چه اقداماتی انجام می‌دهد؟

گرچه هدف فرآیند مددکاری اجتماعی در دادگاه اطفال توانمندسازی این کودکان برای رسیدن به استقلال و کنترل بر زندگی است و برای رسیدن به این هدف، یکی از مراحل مهم مددکاری، مرحله پیگیری وضعیت مددجو پس از رفع مشکل است؛ اما در حال حاضر زیرساخت‌های لازم برای تحقق این امر در کشور هنوز میسر نشده و امیدواریم که در آینده نزدیک و با یاری و همت مسئولان ذیربط این امر تحقق یابد؛ چرا که حمایت از مددکاری اجتماعی این قشر، در سلامت جامعه بسیار حایز اهمیت است. در برخی از موارد به

علاقمند به این حوزه باشند. آگاه بودن به نقاط ضعف و قوت خود و دخالت ندادن آن‌ها در کار حرفه ای، داشتن توانمندی در مدیریت بحران، داشتن حس مسئولیت پذیری در مقابل جامعه و مددجو، داشتن حس نعدوستی و پایبندی به اصول حرفه‌ای، در این حوزه بسیار حائز اهمیت است.

اگر قرار باشد توصیه ای به دانشجویان رشته مددکاری اجتماعی داشته باشید چه می‌گویید؟

استفاده از فرصت‌های طلایی دوران تحصیل، گذراندن دوره‌ی کارورزی به طور دقیق و کامل، مواجهه مستقیم با محیط کار و همچنین کسب مهارت‌ها و توانمندی‌های لازم؛ تا بتوانند ان شاءالله پس از فراغت تحصیل وارد محیط‌های کاری شوند و کار خود را آغاز کنند.

یکی از خاطرات شیرین کار در حوزه دادگستری را برایمان تعریف کنید.

در واقع مددکاری اجتماعی یک حرفه نیست، عشقی بی قید و شرط، به دور از هر گونه قضاوت است. تمام مواردی که با مددجویانم همراه بوده‌ام و توانسته‌ام کمک و خدمتی به این عزیزان ارائه نمایم، لحظات شیرینی هستند که در ذهنم نقش بسته‌اند؛ گرچه به دلیل رعایت اخلاق حرفه‌ایی از عنوان کردن آن‌ها معذور هستم.

دلیل اینکه مشکلات این کودکان و نوجوانان بسیار عمیق است، این فرآیند مدت زمان زیادی را می‌طلبد تا به بازدهی برسد و مددکار اجتماعی علاوه بر اینکه باید تلاش کند تا آثار بزه را در کودک کمرنگ کند و از تکرار مجدد جرم و آسیب‌های اجتماعی احتمالی پیشگیری کند، بایستی در جریان پیگیری وضعیت مددجو، مشکلات و نیازهای فردی، خانوادگی و اجتماعی کودک را شناسایی و مرتفع نماید و نیز آموزش‌های لازم به خانواده‌های این کودکان داده شود. همه‌ی موارد گفته شده که یک مددکار اجتماعی می‌تواند پس از پایان جریان دادرسی طفل بزه‌کار انجام دهد، بدون داشتن برنامه حمایتی از سوی ارگان‌های ذیربط امکان پذیر نیست.

مددکاران اجتماعی دادگستری چگونه در این حوزه شروع به فعالیت میکنند؟

همکاری در حوزه‌های مختلف دادگستری (مثل: مشاور دادگستری، کارشناس نفقه و ...) از طریق شرکت در آزمون و مصاحبه امکان پذیر است که بر اساس نیاز شهر و استان از این افراد استفاده می‌شود.

لطفا چند ویژگی از مددکاران اجتماعی دادگستری نام ببرید.

مددکاران اجتماعی حوزه قضایی در درجه اول باید



بخش سوم: معرفی و تحلیل



معرفی مقاله: زندگی پس از زندان؛ چالش‌های بازسازی برای زنان

فاطمه نعمت الهی، دانشجوی کارشناسی مددکاری اجتماعی خوارزمی

پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی

سال ششم، شماره پیاپی ۱۸، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۶/۳۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۳/۲۴

نویسندگان: سهیلا صادقی فسایی، دانشیار جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

زهره میرحسینی، استادیار مطالعات زنان خانواده دانشکده علوم اجتماعی و اقتصاد دانشکده الزهرا

اهمیت شناسایی ابعاد زندگی زنان پس از دوران حبس

(بخشی از چکیده، مقدمه و بیان مسئله)

آمارهای موجود در حوزه جرائم زنان نشان می‌دهد که در فاصله سال‌های ۱۳۸۰-۱۳۶۰ تعداد محکومان در دادگاه‌ها رشد داشته است. با این حال، محققان و اندیشمندان حوزه مسائل اجتماعی و جرم‌شناسی با وجود تغییرات به وجود آمده در زمینه تعداد جمعیت زنان زندانی، به جرائم زنان، به‌ویژه مسائل و مشکلات آنان در هنگام بازگشت به جامعه کمتر توجه کرده‌اند. غفلت از این امر، افزایش میزان بزهکاری مجدد و بازگشت به زندان و نیز گسترش آسیب‌های اجتماعی را به همراه دارد.

مقاله حاضر براساس پژوهشی کیفی انجام شده و تلاش شده است چالش‌های زندگی زنان پس از آزادی از زندان و همچنین شیوه مدیریت این چالش‌ها بنابر روایت ایشان، تجزیه و تحلیل شود. براین اساس، با ۳۸ زن ۶۸-۱۹ ساله آزادشده، مصاحبه‌های عمیق کیفی و پدیدارشناسانه انجام

شده و تجربه زیسته آنها از دوران حبس و پس از آزادی ارزیابی و تحلیل شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد بسیاری از این زنان، در زمینه مسائلی مانند پذیرش در خانواده و اتصال به شبکه‌های اجتماعی با چالش مواجه‌اند. همچنین، مطابق نتایج به دست آمده سرزنش و تحقیر، احساس تنها بودن، احساس محرومیت و عقب ماندگی، از دست دادن سرمایه‌های اجتماعی-اقتصادی و ... مشکلاتی را در زندگی آنها به وجود آورده و آنان را مجبور کرده است به کمک شیوه‌هایی چون سرپوش گذاشتن بر هویت مجرمانه، گمنامی و ناشناختگی، قطع شبکه‌های جرم‌زا و خلق شبکه‌های جدید، درگیری در فعالیت‌های روزانه مانند اشتغال و مراقبت از فرزندان و ... این چالش‌ها را در زندگی خود مدیریت کنند.

مقوله‌بندی چالش‌های زندگی زنان پس از زندان

(بخشی از نمونه گیری، تحلیل نمونه‌ها و ویژگی نمونه‌ها)

در روش کیفی نمونه‌ها براساس دسترسی، راحتی و توجه به اشباع نظری انتخاب می‌شوند. در این روش، نمونه‌گیری هدفمند، نظری یا ابزاری و با توجه به موضوع مدنظر است.

میانگین سن مصاحبه‌شوندگان این تحقیق، در حدود ۴۴٫۸ سال بوده است. کمترین طول مدت حبس ۳ ماه و بیشترین مدت آن ۱۵ سال بوده است. آنان در سطوح مختلف تحصیلاتی بوده‌اند و مشاغل چون انواع مشاغل دولتی و خصوصی، کارمندی، کارگری

مقولات عمده	مقولات فرعی	مفاهیم
چالش‌های زندگی پس از زندان	پذیرش و اتصال به خانواده	مواجهه با خانواده، ترس و نگرانی از شیوه برخورد اعضای خانواده
	بازخوردهای زندان و اتصالات	آشکارشدگی، حسن اعتماد، عضویت در شبکه‌های اجتماعی، دیگران مهم، عادت‌واره‌ها، خودپنداره
	سرزنش و تحقیر	درجه‌بندی تقصیر، نقش زن در مجرمیت، فشار داغ، احساس گناه
	احساس تنها بودگی	انزواطلبی، افسردگی، احساس شرمندگی، بی‌یاوری
	احساس محرومیت و عقب ماندگی	احساس حقارت، سرزنش و تحقیر، ترس از آینده، احساس بی‌کفایتی
	از دست دادن سرمایه‌ها	نداشتن سرمایه اجتماعی و اقتصادی
	داغ ننگ زندان، تداوم مجرم‌پنداری	کلیشه‌های ذهنی، پنداشت‌ها و پیش‌داوری، احتمال بدنامی، انگ بزهکار، سوءپیشینه، ترس از افشا، روسپی‌انگاری
	تداوم حبس	بی‌اعتمادی و مطمئن نبودن، مراقبت مضاعف و مداوم

عمیق و ترسیم خط زندگی به صورت راهی برای بررسی بیشتر وقایع بحرانی زندگی، آغاز یا ادامه مجرمیت و درعین حال، بازگشت به جامعه و زندگی پس از زندان استفاده شده است؛ درحالی که میان مقولات، روابط علت و معلولی وجود ندارد و هر واقعه‌ای لزوماً پیامد و اثر وضعیتی خاص نیست. همچنین، پژوهش حاضر به دلیل کیفی بودن، به هیچ وجه قصد ندارد نتایج حاصل شده خود را تعمیم دهد؛ هرچند در تمامی مراحل پژوهش و گزارش نویسی برای افزایش اعتبار پژوهش، تأیید مقولات اکتشافی و کاهش شائبه تفسیر شخصی اطلاعات، به نتایج سایر تحقیقات ارجاع داده شده و تم‌ها و روایت‌های زنان، نقل قول شده است.

درمجموع، نتایج نشان می‌دهند بازگشت به جامعه و سازگاری با آن و قرارگرفتن در مسیر بازسازی برای عده معدودی از زنان، مسیری تقریباً صاف و هموار است؛ زیرا خانواده‌های آنان و همچنین برخی شبکه‌های اجتماعی که در آن عضویت داشته یا دارند، بازگشت مجدد آنها را می‌پذیرند یا آن زنان، شغل یا مهارتی اشتغال‌زا دارند. باین حال، برای بسیاری از زنان سابقه‌دار، بازسازی زندگی مسیری سخت و ناهموار است؛ چنان که طیف وسیعی از آنان، پس از خروج از زندان با چالش‌ها و مسائل عدیده‌ای مواجه‌اند که گذشته از آسیب‌پذیر کردن آنها احتمالاً در بسیاری مواقع، این مشکلات به زندانی شدن مجددشان منجر می‌شود. بنابراین، در این پژوهش، زندگی پس از زندان، چالش‌های آن و

یا مشاغل آزاد زنانه نظیر آرایشگری، فروشندگی و درنهایت، خانه‌داری داشته‌اند. به لحاظ وضعیت تأهل ۶ نفر متأهل، ۶ نفر مجرد، ۱۷ نفر مطلقه و ۳ نفر با همسر فوت شده و ۶ نفر دیگر نیز همسر خویش را ترک کرده‌اند.

این زنان هریک به دلیل ارتکاب به جرائمی مانند حمل و قاچاق موادمخدر، جرائم مالی و کلاهبرداری، سرقت، قتل و رابطه نامشروع به زندان محکوم شده بودند.

در هر مطالعه پدیدارشناسانه‌ای برای رسیدن به توصیفات ساختی و ساختاری عموماً دو سوال کلی از مشارکت‌کنندگان پرسیده می‌شود: نخست آنکه چه موضوعی را در ارتباط با پدیده مدنظر تجربه کرده‌اند و دوم آنکه چه وضعیتی بر تجربه فرد از این پدیده تأثیر گذاشته است. سوالات دیگری نیز پرسیده می‌شوند. باتوجه به گزاره‌های مهم به دست آمده از این سوالات، محقق «حلقه‌ها یا خوشه‌های معنایی» تشکیل می‌دهد.

مقوله‌بندی مدیریت چالش‌های زندگی پس از زندان

در مجموع، تجزیه و تحلیل مصاحبه‌های عمیق کیفی نشان می‌دهد زنان زندانی هریک بسته به وضعیت، موقعیت و همچنین نیازها و چالش‌های زندگی خود، ممکن است روشی را برای مدیریت این چالش‌ها و نیازها برگزینند.

مقولات عمده	مقولات فرعی	مفاهیم
مدیریت چالش‌ها	هویت‌یابی مجدد و بازتعریف خود	قالب‌ریزی مجدد انتظارات و رویکردها، بازتعریف ارزش‌ها، مقابله با پنداشتها
	ناشناختگی، مخفی نگه‌داشتن سوء سابقه	مخفی ماندن هویت، تغییر محل زندگی، حمایت‌های خانوادگی
	فعالیت‌های اجتماعی و درگیری در فعالیت‌های روزمره	بازگشت به زندگی، اشتغال، مشارکت اجتماعی، مسئولیت مادری، عضویت در شبکه‌های اجتماعی و گروه‌های خویشاوندی
	طلاق و ازدواج مجدد	قطع و دوری از شبکه‌های جرم‌زا، طلاق از همسر مجرم، تشکیل کانون خانوادگی جدید
	تقصیرپذیری تا انکار	شرمندگی از اعمال گذشته، تلاش برای جبران گذشته، تحولات درونی، گرایشات مذهبی
	قطع شبکه‌های جرم‌زا و خلق و جایگزینی شبکه‌های جدید	جدایی از شبکه‌های گذشته، حمایت‌های خانوادگی و اجتماعی، شبکه‌های ارتباطی

جمع‌بندی و نتیجه

همچنین مدیریت این چالش‌ها و نیز عوامل مؤثر بر بازسازی زندگی شامل عوامل تأثیرگذار در توفیق یا شکست این فرایند بررسی شده است.

هدف از این مطالعات، به دست آوردن سندی پربار از انتخاب‌های شخصی و متغیر مجرمان و تجارب زندگی آن‌ها در طول حیاتشان است که سبب می‌شود دریابیم که چگونه افراد خاص به وسیله موقعیتشان در جامعه، توانا یا محدود می‌شوند. به این ترتیب، در این پژوهش از مصاحبه‌های کیفی

معرفی فیلم: تراژدی جوخه اعدام

سمانه حاصلی، کارشناس مددکاری اجتماعی دانشگاه خوارزمی

سرنوشت "پل اجکام"، مسئول زندان افراد محکوم به اعدام است.

در یکی از روزها، این زندان پذیرای "جان کافی"، زندانی سیاه پوست، بلند قد و آرام شد که به جرم قتل و تجاوز به دو کودک به اعدام محکوم شده بود.

به مرور و با گذر زمان "اجکام" از قدرت خارق العاده و قلب مهربان جان آگاه می شود و درمی یابد که او نمی تواند قاتل باشد اما چون برای اثبات آن مدرکی ندارد به ناچار حکم اعدام را اجرا می کند و بعد از آن او و دوستانش برای همیشه از سمت خود استعفا می دهند.

نقد و نظر نویسنده:

اگرچه محوریت فیلم بر مدار تاثیرات عجیب و غریب "جان کافی" بر زندان مسیر سبز است اما بطور مشهودی روابط نگرهبانان و زندانیان محکوم به اعدام در این فیلم تاثیرگذار بوده است؛ اگرچه یک زندانی و یک اعدامی تفاوت های بسیاری دارند و از آن جمله امید است که در زندانیان معمولی برای رهایی وجود دارد؛ اما این مسئله چیزی از ارزش رفتاری سرپرست ها کم نمی کند. رفاقت و محبت و حس ارزشمندی فتا شده ای که در گذر زمان و با نزدیک شدن به لحظات سخت و پایانی زندگی بیش از پیش رنگ می بازد، می تواند با لبخندی که بسیار ارزان و قابل عرضه است بازگردد و به قول شاملو:

خوشا رهایی...
اگر نه زیستن به
رهایی، مردن به
رهایی.

بر این نگیختگی عواطف و معنویات در زندانیانی که امیدی به بازگشت ندارند و نیز القای حس همدلی می تواند در واپسین لحظات، احساسات از یاد رفته ایشان را بیدار کند و از حس بی رحمی و عذاب وجدان مجریان حکم بکاهد.

زندان و زندانیان همواره مقوله ای

بحث برانگیز و جالب توجه برای افشار مختلف جامعه بوده است. به لحاظ تاثیرات عاطفی این موضوع همواره در جلوه های مختلف هنر رخ

نموده و تصاویر ادبی و هنری فراوانی از خود برجای نهاده است؛ از جمله تصویر بسیار معروف سقراط در حین اجرای حکم که در ذهن بسیاری از ما ماندگار بوده و هست.

از منظر اجتماعی اما این مسئله همچنان جای بحث و بررسی دارد و صرف نظر از علل ورود به زندان و آنچه زندانی را به این محیط تنبیهی کشانیده، می توان جنبه های دیگر این مسئله من جمله رفتار با زندانیان، زندانیان پس از خروج از زندان و نحوه جلوگیری از تکرار دوباره جرم را به چالش کشید.

معرفی و خلاصه

همانطور که قبل از این گفته شد، هنر زوایای مختلفی از موضوع مورد بحث را به نمایش گذاشته است اما کمبود زوایای اجتماعی همچنان احساس می شود؛ در این مطلب سعی بر آن است تا این زوایا را در لابلای سکانس ها یکی از آثار برتر سینما مورد بحث و تحلیل قرار داد.



مسیر سبز (Green Mile) یک داستان تراژدیک از

غم فقدان کمک کند و فضایی مناسب برای دیدارهای پایانی و التیام اندوهشان فراهم سازد.

در سکانسی از این فیلم شخصیت منفی و نگهبان بدخلق و بدجنس مسیر سبز که وسایل اعدام با الکتریسیته یک زندانی را آماده می‌کرد با سهیل‌انگاری عامدانه باعث عذاب شدید و مرگ دلخراش زندانی شد که سکانسی بسیار غم‌انگیز و تاثیرگذار بود و می‌توان آن را نمونه کاملاً امتداد رفتارهای جلادگونه‌ای دانست که از قدیم‌الایام برای محکومین به اعدام آشناست و بر رنج بیننده می‌افزاید.

به عنوان مددکار اجتماعی:

نیاز زندانیان به وزنه و تعادل در محیط زندان امری غیر قابل انکار می‌باشد. بهترین گزینه برای این امر را می‌توان مددکار اجتماعی معرفی کرد که با رفتار حرفه‌ای می‌تواند محیط زندان را تبدیل به محیطی با قابلیت آموزش و تربیت انسان‌های مفید کند.

در رابطه با زندانیان محکوم به اعدام، مددکار اجتماعی می‌تواند با تکیه بر همدلی و صمیمیت و اصول حرفه‌ای ارتباطی، ترس و احساسات ناشی از فضای حاکم را بکاهد و احساس عزت نفس را در او تقویت کند و با برقراری ارتباط موثر با خانواده، در کنار آمدن ایشان با ترس و





درس آموخته

ارشاد بیرانوند، کارشناس مددکاری اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی

تند پاسخ داد: خیلی‌ها در زندان مدرک فنی و حرفه‌ای گرفتند. بگو دوست نداشتم به خودم زحمت بدم و دوره بگذرونم.

واقعاً به شخصه از صحبت‌های مددکار اجتماعی مربوطه ناراحت شدم؛ چون خود را در جایگاه مراجع قرار دادم و سرزنش‌های مربوطه کاملاً اذیت‌کننده بود. تصمیم گرفتم بعد از انجام تشکیل پرونده و مصاحبه مددکار اجتماعی با مددجو، بیرون از اتاق مددکاری اجتماعی با مراجع صحبتی در جهت رفع ناراحتی وی داشته باشم.

همانطور که اشاره کردم یکی از اهداف مراجع مربوطه بعد از پیدا کردن شغل و مسکن، ازدواج بود. می‌گفت می‌خواهم ازدواج کنم، می‌روم از روستای پدری‌ام دختری قانع و اهل زندگی را انتخاب می‌کنم که با او زندگی جدیدی را شروع کنم.

(بعد از تکمیل پرونده وی در سیستم در نوبت بازدید منزل قرار خواهد گرفت که پس از انجام آن مراجع طرح شغلی و در واقع طبق مهارتی که دارد، زمینه کاری را طبق توانمندی خود مطرح می‌کند و نیز ممکن است وی مهارت خاصی نداشته باشد، در این صورت اگر خانواده وی مهارتی داشته باشد، طرح مذکور طبق مهارت عضو خانواده وی طرح‌ریزی می‌شود. همچنین ممکن است فردی درخواست کاریابی داشته باشد.) بعد از مصاحبه مددکاری اجتماعی، بیرون از اتاق با مراجع صحبت‌هایی داشتم و به او گفتم: خیلی عالی است که سمت خلاف و بزهکاری نمی‌روی و می‌خواهی از این فضا دوری کنی، حتماً بعد از پیدا کردن کار و خانه ازدواج کن، مدام تلاش کن که زندگیت را تغییر بدهی و آن گونه که می‌خواهی زندگی کنی. مراجع در ادامه صحبت‌هایم گفت: خیلی‌ها از این حرف‌های مددکار اجتماعی به من می‌زنند. من اول جوانی‌ام از راه خلاف ضربه خوردم و کلی مصیبت دیدم. می‌خواهم زندگیم را از نو بسازم. این حرف‌ها هم برایم مهم نیست. تمام تلاش من برای زندگی‌ام است.

با سرپرست واحد مددکاری اجتماعی صحبت کردم و راجع به مراجع توضیحاتی ارائه دادم و خواهش کردم که برای مراجع زمان‌های ملاقاتی را با روان‌شناس در نظر بگیرد، سپس با مراجع صحبت کردم که زمان‌هایی را که سرپرست برای او با روان‌شناس در نظر می‌گیرد را حتماً شرکت کند.

در نهایت به مراجع گفتم شما جوانی و انگیزه‌ی بالایی داری و مهم این است که از جرم و کجروی دوری کنی. سپس از زمانی که در اختیار من قرار داده بود صمیمانه تشکر کردم و او نیز بابت صحبت‌هایمان تشکر متقابل داشت و برای وی آرزوی موفقیت کردم.

در یکی از روزهای زمستانی سال ۹۸ که در مرکز خدمات اجتماعی و مراقبت پس از خروج، کارورزی خود را سپری می‌کردم، در پی آموختن تکنیک‌های مصاحبه و تکمیل اطلاعات برای تشکیل پرونده مراجعانی بودم که به مرکز مراجعه می‌کردند. در این میان به آقای برخوردم که ۲۵ سال سن داشت و جرمش مشارکت در نگهداری و حمل مواد مخدر از نوع هروئین و شیشه بود و به تازگی بعد ۷ سال از زندان آزاد شده بود. با او که صحبت می‌کردم می‌گفت در خانه بودم و پدرم را در بسته‌بندی مواد همراهی می‌کردم. اصلاً آگاه نبودم که جرم کارم چیست. پدرم اطلاعاتی در مورد جرم و حکم کاری که انجام می‌دادیم به من نمی‌داد. فقط تلاش می‌کرد من همراهش باشم و به هرکسی اعتماد نمی‌کرد. در خانه بودم که یک دفعه پلیس‌ها وارد خانه شدند و مرا هم با خودشان بردند. پدر حمل‌کننده اصلی و من شریک جرم او معرفی شدم. ۷ سال زندان بودم ولی دیگر نمی‌خواهم این راه را بروم.

او در حرف‌هایش بیان می‌کرد که هدفش پیدا کردن کار بود. هر کاری که درآمد مناسبی داشته باشد، تا بتواند زندگی راحتی برای خودش فراهم کند، همچنین از اهداف بلند مدتش تشکیل خانواده و تاهل بود، آن زمان خانه دوستش زندگی می‌کرد. از حرف‌هایش متوجه شدم زمانی که زندان بود، پدرش خانه‌ای که در آن سکونت داشته اند را فروخته و سرپناهی باقی نگذاشته بود.

وی اشاره کرد: دیگر پدرم برایم مهم نیست؛ چون او بود که مرا در این مخمصه انداخت. اگر درست راهنمایی‌ام می‌کرد، ۷ سال اول جوانی‌ام را در زندان نمی‌ماندم.

بعد از آن مددکار اجتماعی از وی سوال کرد که آیا مدرک فنی و حرفه‌ای داری یا نه؟ (در سیستم ثبت اطلاعات و تکمیل پرونده مراجعانی که به مرکز خدمات و مراقبت پس از خروج می‌آیند، اگر مدرکی برای مراجع ثبت شود در جهت اخذ تسهیلات وام سهولت بیشتری خواهد داشت که حال ممکن است مدرک مربوطه پس از گذراندن دوره‌ای در زندان به وی اعطا شود یا قبل و بعد از زندان موفق به گذراندن دوره شده باشد.)

مراجع در پاسخ گفت: خیر ندارم. در جواب مراجع، روان‌شناسی که در جایگاه مددکار اجتماعی بود و زاویه دیدی کاملاً بالا به پائین داشت با لحنی تند پاسخ داد: چرا نداری؟ پس در زندان چیکار می‌کردی؟ فقط خوردن و خوابیدن. مراجع در پاسخ به او گفت: خانم مددکار، من زندان بودم جایی که نمی‌توان به راحتی مدرک را گرفت. مجدداً مددکار اجتماعی مذکور با لحنی



فراخوان

فراخوان ارسال آثار دهمین شماره فصلنامه علمی - تخصصی مددکاری اجتماعی پویش

زمستان ۱۴۰۰

با موضوع کارتن خوابی

مهلت تحویل آثار: ۲۹ آذر ۱۴۰۰

بدین وسیله از تمامی شما مخاطبان گرامی که دغدغه مسائل اجتماعی را دارید، دعوت می‌شود آثار خود را با موضوع کارتن خوابی در قالب‌های مختلف مقاله، ترجمه، خبر، نقد و تحلیل، گزارش تصویری و ... به صورت فایل word و Pdf، به یکی از نشانی‌های زیر ارسال فرمایید.

ایمیل: pouyeshmag@gmail.com

تلگرام: @Zahhra_ahhmadi

جهت کسب اطلاعات بیشتر به آدرس تلگرام پیام دهید.

 @khu_socialworking

 khu_socialworking



 @kh_socialwork
 @Khu_socialworking
 Khu_socialwork@gmail.com



معاونت فرهنگی اجتماعی